

جایگاه تربیت دینی در آموزش و پرورش (با تأکید بر عوامل تأثیرگذار، آسیب‌ها و راهبردها)

دکتر زهره سعادتمد^۱
اسکندر کرمی دورودخانی^۲



چکیده

فرایند تعلیم و تربیت دینی در خلاء انجام نمی‌شود بلکه مثل هر ارتباط دیگری در بستر و زمینه‌ای صورت می‌گیرد که می‌توان جریان تعلیم و تربیت دینی را تقویت، تضعیف یا خنثی نماید. خانواده، دوستان، رسانه‌ها، محیط اجتماعی و حکومت این بستر را شکل می‌دهند. با دقت در آسیب‌های تربیت دینی متوجه می‌شویم در یک سوی آن متوالیان رسمی تعلیم و تربیت (فرستنده) قرار دارند که شامل والدین، معلم و روحانیت است. این عناصر در فرآیند تعلیم و تربیت دینی با ارائه محتوى مطابق با اهداف تربیت دینی (پیام) در مخاطبان خود (گیرنده) شناخت، نگرش و رفتار جدیدی ایجاد می‌نمایند. در این مقاله؛ هدف، بررسی جایگاه تربیت دینی در آموزش و پرورش و آسیب‌شناسی آن می‌باشد که با توجه به پارامترهای مختلف دخیل در آن مورد کنکاش و جستجو قرار گرفته و سپس آسیب‌ها و آفت‌های تأثیرگزار بر تربیت دینی مورد بررسی قرار گرفته است و راهکارهایی جهت بردن رفت از چالش‌های موجود ارائه شده است. با استفاده از تحقیقات انجام شده و به روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی نظرات کارشناسان مربوطه در حوزه تربیت دینی به بررسی وضعیت موجود (آموزش و پرورش)، عوامل تأثیرگذار، راهبردهای اساسی و آسیب‌شناسی آن پرداخته ایم. نتیجه بررسی انجام شده نشان می‌دهد اولاً در جمهوری اسلامی (وزارت آموزش و پرورش عزم جدی جهت دمیدن روح دینی در فضای جامعه (دانش آموزان) را دارد. ثانياً عوامل تأثیرگذار روشهای و اهداف دارای کاستی‌هایی می‌باشند ثالثاً توجه به مشکلات فراروی (آسیب‌ها) می‌تواند در تحقق اهداف تربیت دینی نظام تعلیم و تربیت کشور مؤثر و راه‌های بردن رفت را تسهیل نماید.

واژه‌های کلیدی: تربیت دینی، آموزش و پرورش، آسیب‌ها و راهبردها

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

مقدمه

آموزش و پرورش نهادی فراگیر و اجتماعی است که در راه رشد و تعالیٰ اخلاقی جامعه با پیچیده ترین جزء وجود آدمی سر و کار دارد. سعی نظام آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی بر آن است که تربیت نوآموزان ماهیت دینی داشته باشد، اما گاهی این سعی با دشواری هایی نیز مواجه است. زیرا طبیعت تدریجی و پیچیده تربیت دینی در کنار سوء فهم، عمل در ناکامی تربیت دینی مؤثر است. بر این اساس، بحث پیرامون بررسی راهبردهای اساسی موثر در تربیت دینی دانش آموزان به چگونگی رابطه علم و دینی بر می گردد. با آن که در مقام عمل صرفاً تعلیم آموزش اولیه این نهاد تلقی شده و می شود، اما در بیان اهداف کلی نظام و سیاست گذاری های کلان بر اساس بیان وحی، هدف آموزش و پرورش، پروراندن انسان های صالح و نیکو کار است. (فتح

اللهی ۱۳۸۰)

برای توجه به تربیت دینی در هر جامعه ای باید به نهادهای شخصیت ساز آن جامعه مراجعه شود. بالطبع نخستین نهاد تربیت دینی خانواده است. عنصر بعدی در تربیت دینی محیط اجتماعی آموزشی یا مدرسه است که به طور کلی آموزشکاهها و آموزش عالی را شامل می شود. تأثیر محیط های مذکور در شخصیت دینی افراد در چند زمینه قابل توجه می باشد. محیط فیزیکی، کادر تشکیلاتی، مدیریت، معلمان، متون درسی و ساختار نظام آموزشی از زمینه های تأثیرگذار می باشد.

تربیت به دو شکل در زندگی انسان نمود پیدا می کند: تربیت غیر رسمی یعنی آنچه در خانواده و جامعه روی می دهد و تربیت رسمی که در ایران با عنوان آموزش و پرورش شناخته می شود. (اصلانی ۱۳۸۵) این مقاله ضمن اشاره به تربیت دینی، مراحل تربیت دینی مشکلات اساسی در تربیت دینی، راهبردهای اساسی برای نیل به تربیت دینی در آموزش و پرورش و روش های غلط در تربیت دینی به آسیب های موجود در آموزش و پرورش نیز در حوزه تربیت دینی پرداخته است.



تعريف تربیت دینی

تعريف تربیت دینی به معنی اعم شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی می‌باشد و می‌توان آن را با تربیت اسلامی متراff دانست و مراد این است که کودک، نوجوان و جوان مسلمان به گونه‌ای آموزش ببیند و تربیت شود که بالمال شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات اسلامی همگونی داشته باشد و نهایتاً آنگونه شود که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست. در این اصلاح تربیت دینی محدود به مسائل اقتصادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز در بر می‌گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می‌دهد (سایت شبکه ملی مدارس ایران-رشد)

در اصلاح تربیت دینی به معنی اخص در بین همه ابعاد تربیتی به رشد معنوی و اعتقادی توجه می‌شود. و بدین وسیله سایر ابعاد تربیتی و حتی ابعادی همچون بعد اخلاقی از بحث خارج می‌شود. به منظور تمایز این بعد خاص تربیتی، این نوع تربیت دینی راتربیت ایمانی یا معنوی نامیده‌اند. در این نوع تربیت، آموزش و پرورش شرایطی را برای فرد مهیا می‌کند تا نگرش او نسبت به خود، جهان اطراف و خالق این جهان بر اساس آنچه خود می‌یابد و فطرت او اقتضا می‌کند رشد نماید و آنچه را لازمه پیمودن این مسیر است فرا گیرد. به دیگر سخن شرایطی برای مترّبی فراهم نماید تا ایمان او تقویت شود و جایگاه خود را در کل مجموعه هستی باز یابد. (همان منبع)

مراحل تربیت دینی

مراحلی که در فرایند تربیت دینی وجود دارند (سعادتمند ۱۳۸۰ ص ۴۱) عبارتند از:

- ۱- انس دینی: در این مرحله که از سالهای اولیه زندگی آغاز می‌شود، عاملان تربیت کودک به خصوص پدر و مادر و اطرافیان در شکل گیری انس دینی بسیار مؤثر هستند. در این

مرحله کودک برخوردهای والدین در قبال اجرای اولین دستورات دینی به خصوص فرا رسیدن سن تکلیف را مورد توجه قرار می‌دهد.

۲- عادت دینی: در طی این مرحله که از ویژگی‌های کودکان در دوران دبستان است عادات متعددی در آنها ایجاد می‌شود. موریس دوبی عادات را به دو شکل تقسیم می‌کند: الف- عادات انفعالی (رفتار غیر ارادی همراه با تکرارهای مکانیکی و فیزیکی بدون آگاهی) ب- عادات فعال و آگاهانه که به تدریج یک انس و الفتی در فرزند به وجود می‌آورد و محرك خارجی در او از اثر فعال و زنده و پویا دارد. مانند سحر خیزی که به نوعی ملکه تبدیل می‌شود

۳- معرفت دینی: در این مرحله که مربوط به سالهای ورود به دوره‌ی راهنمایی تحصیلی است به دلیل رشد تفکر انتزاعی، تمایل به معرفت دینی و اندیشه و تفکر مذهبی در نوجوان به وجود می‌آید و زمینه بسیار مساعدی برای فهم و درک عادات دینی و چرایی تعهد به دستورات تعالیم مذهبی ایجاد می‌شود.

۴- شاکله‌ی دینی: اگر مراحل قبلی به خوبی طی شوند در مرحله شاکله دینی شخصیت کاملاً دینی در وجود فرد متبلور می‌شود. در این حالت تمام سخنان و رفتار و کردار وی با دستورات و تعالیم دینی تناسب پیدا می‌کند.

۵- خود جوشی دینی: در این حالت به دنبال عشق خدایی و الهی است. رفتارها و عمل کردهای خویش را برای اهداف معنوی و متعالی انجام می‌دهد و به سادگی تحت تأثیر جاذبه‌های نفسانی و دنیایی قرار نمی‌گیرد.

نکات مورد توجه در فرایند تربیت دینی

در فرایند تربیت دینی فرزندان، نکات مهمی که بایستی مورد توجه اولیا و مریبان قرار گیر (همان منبع) به شرح زیر است:



مجموعه مقالات چهارمین و پنجمین همایش تازه‌های تعلیم و تربیت

جایگاه تربیت دینی در آموزش و پرورش (با تأکید بر عوامل تأثیرگذار، آسیب‌ها و راهبردها) زهره سعادتمد و اسکندر کرمی دورودخانی

۱- تناسب داشتن آموزش‌های دینی و مذهبی با مقتضیات سنی و میزان رشد عقلی و ذهنی

فرزندان

۲- توجه به امر تبیین و روشن نمودن ابهامات و سؤالات فرزندان در مسائل دینی و شرح

صحیح علل انجام فرائض و وظایف دینی

۳- پرهیز از کاربرد تلقین‌های محض و ایجاد عادات انفعالی و مکانیکی در رعایت

دستورات دینی

۴- استفاده از روش‌های غیر مستقیم و غیر کلامی در امر تربیت دینی به خصوص دقت در

اجرای صحیح روش الگویی از سوی والدین و مریبان

۵- ایجاد زمینه برای طرح سؤال و کنکاش در مسائل دینی و ارائه پاسخ‌های سنجیده

۶- ارتباط دادن تربیت دینی و همه جنبه‌های تشکیل دهنده وجود، نظریه جسمانی،

عقلانی، عاطفی و اجتماعی

۷- دوری از تحمیل کردن آموزش‌های دینی به فرزندان و اجتناب از کاربرد روش‌های

کاملاً بیرونی در به اصلاح دینی بار آوردن آنها

۸- ایجاد زمینه برای برخورد عاقلانه و توأم با تفکر از سوی فرزندان با طبیعت و اسرار

آفرینش

۹- معرفی اسوه‌ها و الگوهای دینی که در این مورد لازم است به شرایط و مقتضیات

سنی، عقلی، عاطفی فرزندان کاملاً توجه شود.

۱۰- ایجاد هماهنگی و سنتیت در روش‌ها و شیوه‌های تربیت دینی از سوی والدین،

اولیای مدرسه و دست‌اندر کاران تهیه و تدوین برنامه‌های صدا و سیما ... که در صورت عدم

هماهنگی بین سفارشات و پند و اندرزها با رفتار عاملان تربیتی منجر به اختلاف در تربیت

صحیح دینی و مذهبی فرزندان می‌شود.



نقش معلم و مربی در تربیت دینی

این نقش در دوره پیش دبستانی و دبستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ به گونه‌ای که حرف معلم و مربی اثر گذاری مؤثرتری نسبت به والدین دارد. لذا به دلیل الگو بودن معلم و مربی در این دوره ضرورت استفاده از معلمان و مربیان تحصیل کرده (آشنا به فنون تعلیم و تربیت)، هنرمند (اطلاع از ظرافت‌های تعلیم و تربیت)، با انگیزه و عامل به تعییمات دینی دوچندان می‌شود.

برخورداری معلمان و مربیان از ویژگی‌های ظاهری (آراستگی)، جاذبه‌های اخلاقی (گشاده رویی، تواضع، خوش بیان)، جاذبه‌های گفتاری (برخورداری از هنر ارتباط فعال و اثر بخش، ارتباط معنی دار و گرم، صمیمیت و مهر ورزی)، هنر و مهارت گوش دادن و شنیدن، جاذبه‌های علمی (معرفت و بصیرت علمی) جاذبه‌های رفتاری (آسان گیری، حسن سلوک، داوری و قضاوت، تغافل و اغماس) می‌تواند در آموزش و تعمیق مفاهیم دینی مؤثر باشد (کریمی ۱۳۸۲)

معلمان و مربیان در عین برخورداری از علاقه و شوق تربیت و راهنمایی، باید به شیوه‌های تربیتی آشنایی کامل داشته باشند و الا هرگز نمی‌توان به مجرد شوق و علاقه به امر تربیتی، فردی را هدایت و ارشاد کرد. زیرا به این واقعیت باید توجه شود که هر کاری از روش‌ها و شیوه‌های خاصی برخوردار است (مجید رشید پور ۱۳۸۴ ص ۵۴)

دانشمندان می‌گویند: فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد. یعنی کسی که چیزی را نداشته باشد نمی‌تواند به دیگران انتقال دهد. پس مربی خود باید مهذب باشد تا بتواند دیگران را تهذیب نماید و به عبارت روشی تر چراغی که خودش روشی نباشد نمی‌تواند به دیگران روشی ببخشد. (همان ص ۵۶)

تأثیر معلم بی‌نهایت مهم است. اگر معلم در ایجاد ارتباط و تدریسش برای تربیت و رشد کودکان شکست بخورد، یکی از مؤثرترین وسایل پیشبرد و رشد آموزش را از دست داده است. ما

نمی‌توانیم کودکان را فریب دهیم، آن‌ها بینندگان و شنوندگان باهوشی هستند. فراگیران اغلب یاد می‌گیرند که همانند معلم خود بشوند. اگر صحنه‌ای از یک فیلم بتواند تغییرات مهمی در نظر و رفتار به وجود آورد، آیا منطقی نیست که بپذیریم مشاهدات مداوم نمایش زندگی واقعی و عملی معلم تغییرات عمیق‌تری در رفتارها پدید آورده؟ (ملکی ۱۳۸۴ ص ۲۸۸)

نقش خانواده در تحقق اهداف تربیت دینی آموزش و پرورش

خانواده به عنوان یک نهاد شخصیت‌ساز در جامعه در تربیت دینی نقش مؤثری دارد زیرا این نهاد نخستین گروهی است که فرد در آن پرورش پیدا می‌کند و زیربنای شخصیت خود را از فرهنگ و ارزش‌های آن می‌گیرد. در تفکر اسلامی این نهاد از قدرت و اعتبار فوق العاده‌ای برخوردار است.

متأسفانه اکثر خانواده‌ها با ویژگی‌های روحی و روانی کودکان آشناشی ندارند و با رفتارهای نامناسب زمینه انحراف و آسیب‌های روحی و روانی فراوانی را در آن‌ها به وجود می‌آورند. والدینی که احساس مسئولیت نمی‌کنند و بر مبنای هر چه پیش آید خوش آید زندگی می‌کنند و آن چنان مادی می‌اندیشند که در زندگی برای مشکلات فرزندانشان به هیچ گونه پاسخ اخلاقی اعتقاد ندارند، بی‌شک ارزش‌ها، معیارها و بالاخره فلسفه خویش از زندگی را به فرزندانشان القاء می‌کنند. (همان ص ۲۸۷)

یکی از آسیب‌های مهم در تربیت دینی عدم هماهنگی نهاد خانواده و مدرسه در اهداف و روش‌ها می‌باشد و خامت این موضوع زمانی آشکارتر می‌گردد که دانش آموزان بین آموخته‌های دینی خود در مدرسه با رفتار والدین و بالعکس احساس ناهمانگی نمایند. زمانی که کودک و نوجوان از طریق معلم و مرتبی خود آموزه‌های دینی را فرا می‌گیرد و به ارزش‌های اخلاقی مورد انتظار مدرسه آشنا می‌شود اما در برگشت به منزل و مشاهده رفتار والدین و اعضاء خانواده آنچه را که خوانده، شنیده یا دیده بر باد رفته می‌داند چه انتظاری باید داشت؟



بسیاری از بدبهختی‌های انسان معلوم جهل و نادانی اوست. در موارد زیادی که بدبهختی‌ها عاید فرزندان می‌گردد، نه چنان است که پدران و مادران خواهان بدبهختی فرزندان خود باشند بلکه بسیاری از آنان نمی‌دانند که چگونه باید فرزندان خود را تربیت نمایند. پس بسیاری از دشواری‌ها و بدبهختی‌ها معلوم ندانستن و آگاه نبودن است (رشید پور ۱۳۸۴).

اتخاذ یک برنامه بلند مدت هدف دار در حوزه تربیت دینی از طریق سازمان انجمن اولیاء و مریبان وزارت آموزش و پرورش جهت آشنایی و هماهنگی خانواده‌ها با اهداف و برنامه‌های تربیت دینی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر می‌باشد.

هماهنگی رسانه‌ها، نهادهای تبلیغی و وسائل ارتباط جمیعی در تربیت دینی کودکان تا زمانی که به زندگی اجتماعی قدم نگذاردند اند و متن خارج زندگی را لمس ننموده اند نسبت به زندگی دارای دید رویایی می‌باشند، تقریباً همانند خواب شیرینی که کودکان در عالم رویا می‌بینند. جز شیرینی و لطافت چیز دیگری همراه ندارد بسیاری از دختران و پسران وقتی با این دید قدم به زندگی اجتماعی می‌گذارند با اولین برخورد با مشکلات از کوره در رفته از خود و زندگی بیزار می‌گردند (رشید پور ۱۳۸۴)

از جمله نهادهای اثرگذار بر شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان رسانه‌ها، نهادهای تبلیغی و وسائل ارتباط جمیعی می‌باشد. با گسترش و توسعه وسائل ارتباطی در واقع مرزهای فیزیکی شکسته شده است. امروزه رادیو و تلوزیون، اینترنت، ماهواره‌ها مجلات و روزنامه‌ها الکترونیکی شرایطی را ایجاد نموده است که حکومت‌ها با یک پدیده کاملاً جدی روبرو شده و آن تهاجم فرهنگی می‌باشد. در این حوزه کشورهای عقب مانده و در حال توسعه از مشکلات جدی تری برخوردار می‌باشند که در صورت عدم توجه و برنامه‌ریزی مناسب به منظور ایمن سازی در مقابل این پدیده، صدمات جبران ناپذیری را متحمل خواهند شد.



فرهنگ غنی اسلامی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان برنامه دارد و در صورت تحقق آموزه‌های دینی مقابله با پدیده مذکور از سهولت بیشتری برخوردار می‌گردد. اما مشکل اصلی در این است که ما اسلام و برنامه‌های آن را چگونه عرضه نمائیم که اولاً تربیت دینی برای کودکان، نوجوانان و جوانان ما درونی شود ثانیاً در برخورد با تهاجم به فرهنگ و دین چگونه رفتار نمایند.

به نظر می‌رسد در برنامه ریزی کلان تربیت دینی، کشور ما با مشکلات و چالش‌هایی رویرو می‌باشد که مواردی بشرح ذیل عنوان می‌گردد:

۱- در فلسفه آموزش و پرورش کشور ما رشد و تعالی انسان (خدای گونه شدن) بر اساس مبانی شرع مقدس به منظور تربیت انسان‌های عامل به احکام دینی و مسئولیت پذیر لحاظ شده است و در ساختار تشکیلاتی وزارت آموزش و پرورش تأليف کتب درسی، تربیت معلم ... به این مورد بصورت مکتوب پرداخته شده است. اما در عمل نارسایی‌های قابل ملاحظه ای مشاهده می‌شود.

۲- بین اهداف تربیت دینی تدوین شده آموزش و پرورش با محتوای برنامه‌های رسانه ملی (رادیو و تلوزیون) هماهنگی وجود ندارد. که در این خصوص این سؤال مطرح می‌باشد که آیا آموزش و پرورش در تدوین اهداف دقت نموده یا رسانه ملی نسبت به اهداف تربیت دینی بعضاً بی تفاوت و یا سهل انگاری نموده است؟ و شاید سؤال فراتر از این مطرح شود که با توجه به تفاوت مخاطبین این دو نهاد آیا امکان هماهنگی در تدوین اهداف تربیتی دینی وجود دارد یا خیر؟ اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد تصاویر، رفتارها، گفتارها در فیلم‌ها و سریال‌ها و ... بسیاری از زحمات و تدریس‌های آموزش و پرورش را بر باد می‌دهد.

۳- بین اهداف و برنامه‌های تربیت دینی آموزش و پرورش با رفتارهای فرهنگی سایر نهادهای تبلیغی هماهنگی وجود ندارد.



۴- افزایش روز افزون سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌های شخصی در حوزه تربیت دینی و معرفی سلیقه‌ای دین توسط این گونه وسائل ارتباطی به عنوان یک چالش جدی فراروی برنامه ریزان کلان فرهنگی کشور می‌باشد.

مؤلفه عقلانیت در تربیت دینی

یکی از مؤلفه‌های اساسی تربیت دینی، عقلانیت است که لازمه هر دو مفهوم تربیت و تدین است. تربیت دینی در این عصر باید بیش از هر زمان دیگر، چهره عقلانی داشته باشد، زیرا در عصر ارتباطات، مبادله اطلاعات و نظر گاه‌های مختلف، به آسانی صورت می‌پذیرد و حاصل آن می‌تواند بروز سؤال‌ها و تردید‌های فراوان در حجت و اعتبار دین باشد. در چنین شرط عظیمی از سؤال‌ها و تردید‌ها، دین ورزی و تربیت دینی هنگامی دوام می‌آورد که موجودیتی موجه و مدلل داشته باشد نه آنکه امری سلیقه‌ای تلقی شود. (باقری، خسرو، ۱۳۷۹)

توجه به مؤلفه عقلانیت، به ویژه برای کسانی لازم است که می‌کوشند عبودیت را بنیاد دین معرفی کنند، به این تعبیر که دین و تربیت دینی، بر قبول بی‌چون و چرا استوار است این تنها سوء تعبیری از دین و عبودیت است. عبودیت در مقام پذیرش دین نیست و پذیرش دین مستلزم فهم و عقلانیت است. (همان منبع، ۱۳۷۹)

تربیت دینی چه آن هنگام که معطوف به اعتقادات و اخلاق و چه هنگامی که معطوف به عبادات و احکام است، چهره‌ای عقلانی دارد. حضور عقلانیت در اعتقادات کاملاً برجسته است در اعتقادات که به لحاظ اهمیت، سنگ بنای تدین نیز محسوب می‌شود موجه و مدلل یافتن آنها لازم و ضروری است و نمی‌توان در قبول آنها بر فرد تحکم نمود. (همان منبع، ۱۳۷۹)

تربیت دینی مستلزم آن است که اعتقادات دینی در برابر این سوال‌ها، چهره‌ای مدلل و عقدانی داشته باشد به این ترتیب دشواری تربیت دینی آشکار می‌شود. آشنایی دقیق با سوال‌های دوران جدید، تلاش برای مدلل ساختن اعتقادات دینی در برابر آنها و تصحیح برداشت‌های



نادرست از آموزه‌های دینی همه و همه دشواری تربیت دینی و رسالت سنگین مریبان را نشان می‌دهد.

حاصل کلام در این قسمت آن است که یکی از مؤلفه‌های تربیت دینی در عصر حاضر عقلانیت است. این عنصر در همه اجزای دین و تربیت دینی، اعم از اعتقادات، اخلاق، عبادات و احکام صادق است.

تربیت دینی در قرن بیست و یکم؛ فرصتها و تهدیدهای فراروی آموزش و پرورش قرن بیست و یکم با چالش‌هایی که در درون آن نهفته است آغاز شده است. این چالش‌ها هم چنانکه در همه حوزه‌های فعالیت بشر، به گونه‌ای آشکار خواهد شد، در حوزه تربیت دینی نیز، به تناسب آن، حضور تردید آفرین و شکننده خود را نشان خواهند داد. سخن گفتن از تربیت دینی در قرن

بیست و یکم، مستلزم آن است که تربیت دینی به صورتی آشکار شود که توان مقاومت در برابر چالش‌های این قرن را داشته باشد. از این رو، هم باید خصیصه چالش آفرین این قرن مورد بحث قرار گیرد و هم خصایص تربیت دینی، با نظر به آن، مورد تحلیل و بررسی واقع شود. (باقری، خسرو، ۱۳۷۹)

پیراستن تربیت دینی از تلاش‌های شبه تربیتی با بد فهمی‌های ما از دین، امکان توفیق تربیت دینی را در برابر چالش‌های این قرن فراهم می‌آورد. (همان منبع، ۱۳۷۹)

ما در دوران خاصی قرار گرفته ایم و یا در حال قرار گرفتن هستیم که در آن ویژگی‌های جدیدی نسبت به گذشته در حال ظهور است. پویایی هر نظام تربیتی، در این است که اصول، روشها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی شاداب و زنده نگه دارد. اگر یک نظام تربیتی بدون توجه به دگرگونی



شرایط محیطی بخواهد از اصول و شیوه‌های معینی، به صورت ثابت برای همه زمانها و مکانها استفاده کند محکوم به مرگ خواهد بود.

حال با توجه به فرصتها و تهدید‌های فراروی تربیت دینی در آموزش و پرورش، همچنانکه مطلع هستیم هزاره سوم، عصر ارتباطات و اطلاعات و فن آوری می‌باشد و اگر متولیان امر و معلمان و مریبان بتوانند از ابزار و تکنولوژی نوین استفاده نموده و در جهت نهادینه کردن تربیت دینی از فناوری نوین استفاده کرده این به عنوان یک فرصت برای آموزش و پرورش بوده در غیر این صورت ابزار و تکنولوژی گوی سبقت را در مسیرهای دیگر ربوه و دیری نخواهد پایید که از تربیت دینی جزئی می‌باشد. چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برداش کالا. حال ماییم و تربیت دینی و قرن بیست و یکم.

جایگاه تربیت دینی در کتب درسی دانش آموزان

از جمله عوامل تأثیرگذار در عرصه تربیت دینی مدارس آموزش دین و اخلاق در مقاطع مختلف تحصیلی نظام آموزش و پرورش در کشور ماست. این متون در صورتی که از شرایط مناسب از قبیل قوت متن، مناسب بودن با مقاطع سنی و تحصیلی و پاسخگو بودن به نیازهای دینی و شیوه تدریس صحیح برخوردار باشند می‌توانند نقش قابل توجهی در تقویت باورهای دینی و پای بندی به احکام عملی و رفتارهای اخلاقی دانش آموزان داشته باشند، ولی آیا این شرایط در نظام آموزش و پرورش ما آنگونه که بایسته است مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا کتاب‌های دینی از محتوای مناسب با نیازهای دینی دانش آموزان مقاطع مختلف برخوردارند (همت بناری ۱۳۸۰)؟

یکی از چالش‌های موجود فراروی آموزش و پرورش در حوزه تربیت دینی اهتمام به انحصار آموزش تربیت دینی در کتب دینی و قرآن و در کنار آن انحصار آموزش تربیت دینی به معلمان دینی و قرآن می‌باشد. شکی نیست که از مریبان پرورشی و معلمان دینی انتظار بیشتری می‌رود ولی آیا معلمان ریاضی، انگلیسی، ورزش، ادبیات فارسی وظیفه‌ای در قبال تربیت دینی

دانش آموزان ندارند و یا از اینان انتظار عمل و رفتار دینی نمی‌رود؟ نگارندگان مقاله که دبیر می‌باشد تجربیات فراوانی از اثرگذاری دروس مختلف در تغییر رفتار دینی و اخلاقی دانش آموزان دارند. محبویت معلمان در دروس غیر دینی و قرآن (مثلاً محبویت معلم ریاضی) می‌تواند اثر گذاری بالایی در آموزش دینی دانش آموزان داشته باشد. اگر یک معلم فیزیک موفق یا یک دبیر شیمی محبوب دانش آموزان دارای رفتار و عمل دینی باشد تقلید دانش آموزان از رفتار و کردار او به مراتب بیشتر از دبیران دینی و قرآن می‌باشد. زیرا به زعم تعدادی از دانش آموزان وظیفه دبیران دینی تدریس دین و اخلاق می‌باشد.

آیت الله مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید در دیدار با وزیر آموزش و پرورش (جناب آقای فرشیدی) و مسئولین سازمانهای آموزش و پرورش استانهای کشور فرمودند که من به واسطه درس فیزیک و رفتار دبیر فیزیک خودم (اهل اصفهان بودند) به سمت دروس حوزوی و معارف دینی کشانده شدم.

به نظر می‌رسد این نظام آموزش و پرورش رسمی است که به دلیل ماهیت رسمی اش و تا حدی به خاطر فرهنگ خاص جامعه ایران که این ماهیت رسمی و نمره ای را به شدت تقوت می‌کند، به دیدگاهها، تلقی‌ها و انگیزه‌های دانش آموزان به گونه‌ای شکل می‌دهد که آنان به جای بهره گیری عملی از درس دینی و سایر دروس و فعالیت‌های معنوی، گذارندن این دروس را صرفاً مرحله ای از مراحل تحصیلی، بدون توجه به کاربرد محتوای دروس معنوی در زندگی بدانند (سعیدی رضوانی ۱۳۸۰).

نگاهی به آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی

مهمترین رسالت نظام اسلامی، برنامه‌ریزی برای رشد و پرورش انسانهای مومن و عالم به تعالیم است. نخست لازم است مفهوم آسیب شناسی در تربیت دینی را مشخص نماییم. تربیت دینی، تربیت بر اساس مفاهیم و معیارهای دینی است. هرگاه این مفاهیم و معیارها مورد بدفهمی

قرار گیرد، یا حیطه آنها به غلط بیشتر یا کمتر از آنچه هست، ارزیابی گردد، و یا در مواجهه با مسائل نو ظهور عصر و دوران به صورت نابجا مورد استفاده قرار گیرد، آسیب‌هایی در تربیت دینی آشکار خواهد گردید.

نکته قابل ذکر این که به همان اندازه که برنامه ریزی برای تعلیم و تربیت و رشد دینی، لازم و ضروری است. آسیب شناسی فرایند تعلیم و تربیت نیز ضروری است چرا که شناسایی آفت‌هایی که در طول این مسیر تربیت دینی ظاهر می‌شود و رفع آنها، بهبود نظام تعلیم و تربیت دینی را در نسل‌های آینده به دنبال خواهد داشت. (باقری، خسرو، ۱۳۸۰).

عوامل آسیب‌زا در برابر تربیت دینی

۱- خانواده

۱-۱: بی توجهی به نیازهای جسمی؛ ضرورت رفع نیازهای جسمی از آن جهت اهمیت دارد که بسیاری از مشکلات آموزش و یادگیری به نقص و سوء تغذیه، بیماری اندامها و دستگاههای بدن دانش آموزان بر می‌گردد.

۱-۲: بی توجهی به نقش الگویی خود؛ اقتضای فطرت کودک و نیازهای جسمی او سبب می‌شود که بیشترین ارتباط را با والدین داشته باشد. هر چند اثر پذیری فرزندان فرصت مناسبی را برای تربیت آنان فراهم می‌کند. ولی برخی والدین بدون توجه به نقش الگویی خود بر خلاف اهداف تربیتی خویش عمل می‌کنند. (حجتی، سید محمد باقر، ۱۳۵۸).

۲- دوستان و همسالان

تأثیر دوستان و همسالان در رشد شخصیت و رفتار کودکان مقام دوم را دارد. آنان به حکم طبیعت به دنبال هم بازی و رفیق می‌روند. اگر خانواده برای آنان هم بازی و رفیق مناسب با



معیارهای تعلیم و تربیت اسلامی تأمین نکند، سراغ دوستان فاسد می‌روند و تلاش خانواده‌ها در تربیت آنها ختنی یا کم اثر می‌شود. (همان منبع)

۳- رسانه‌ها

متولیان تعلیم و تربیت باید با توجه به میزان اثرگذاری این رسانه‌ها از آنها بهره‌گیری نمایند و از انحصار در استفاده از ابزارهای نوشتاری خارج شوند با توجه به تنوع و اثرگذاری رسانه‌ها چنانچه آنها هماهنگ با برنامه ریزی‌های نهادهای تربیتی گام بردارند می‌توانند نقش بسیار مشتبی را برای رسیدن به اهداف تربیتی ایفا کنند در غیر این صورت آسیب‌زا هستند و فرآیند تربیت را مختل می‌نمایند. (کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۸۵)

۴- محیط و عوامل اجتماعی

شهید مطهری (ره) با تأکید بر نقش ویژه محیط اجتماعی در فرایند تعلیم و تربیت چگونگی تأثیرگذاری آن را در بیان زیبا اینگونه ترسیم می‌کند.

«خداشناسی و خدا پرستی طبعاً مستلزم یک نوع تعالی روحی خاصی است. بذری است که در زمین‌های پاک رشد می‌کند. زمین‌های فاسد و شوره زار، این بذر را فاسد می‌کنند و از میان می‌برند».

۵- حکومت

آسیب‌های ناشی از ناحیه حکومت از مهمترین آسیب‌ها در تربیت دینی است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «الناس بامرائهم اشبه منهم ببابائهم»: یعنی مردم (در روش‌های اخلاقی و صفات اجتماعی) به حکومت‌های خود بیشتر شباهت دارند تا به پدران خویش. (دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۹).



مهمترین عناصر مؤثر (آسیب‌زا) در تعلیم و تربیت دینی

۱- زمینه‌ها

آسیب‌ها در این حوزه عبارتند از بُی توجهی به نیازهای جسمی متریبان و نقش الگویی والدین، تضاد میان دو نسل، دوستان نا مناسب، رسانه‌ها و حکومت و محیط و عوامل اجتماعی.

۲- منابع و محتوا

مهمترین آسیب‌ها در این حوزه عبارتند از: حذف عقل از منابع شناخت، محدود نمودن منبع شناخت به قرآن کریم و انحراف تعالیم و مفاهیم دینی در شکل التقاط و تفسیر به رأی و تمسک به روایات مجهول و ضعیف.

۳- مربیان

عدم مطابقت قول و فعل، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و گروهی، غیر محوری به جای حق محوری، عدم درک و شناخت زمان، نداشتن جاذبه و بالاخره جدایی میان مربیان و متریبان (شکاف نسل‌ها) از آسیب‌های این حوزه است.

۴- اصول و روشها

تأکید و دعوت زبانی به جای عملی در میان روشها و عدم توجه به نقش آزادی و آگاهی در میان اصول تعلیم و تربیت مهمترین آسیب‌ها در این حوزه است.

مرید پروری، عدم توجه به نقش الگویی و الگوهای دینی و همچنین عدم توجه به اصل تشویق و تنبیه در رتبه‌های بعد قرار دارد. (باهنر، ناصر، ۱۳۷۸).



راهبردهای اساسی برای نیل به تربیت دینی در آموزش و پرورش

در تربیت دینی، ما وظیفه نداریم که هر کسی را به اوج کمال پیامبر برسانیم، زیرا توان های آدمیان مختلف است. اما چون پرورش انسانهای صالح از اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت اسلامی است؛ لذا موارد زیر در راه تحقق آن اهداف ولامی تواند مؤثر باشد که اهم آن به قرار زیر است:

۱- جلوگیری از گسست میان نسل ها تا مربی بتواند سوالات و نیازهای عصر متربی را عقلایی شناسایی و در صدد ارائه راه حل آن با زبان مفهوم برای نسل جدید برآید. چنانکه پیامبر نیز به زبان قوم خویش سخن گفته اند.

۲- پرهیز از افراط و تفریط در تربیت دینی: چنانکه امیرالمؤمنین (ع) خود و اهل بیت را تکیه گاه میانه می خواند. در این مورد توجه اساسی به مرزشناسی در تربیت نه مرزبندی یا مرزشکنی، سهل گیری به جای سهل انگاری، عقل ورزی به جای عقل گرایی محض و تقویت حق باوری در مقابل خرافه پردازی ضروری می باشد.

۳- کمک به نونهالان و دانش آموزان در راه به کار بستن باورهای دینی به عنوان مجموعه ای از رفتارها و اعمال در زندگی (عمل و نظر).

۴- داشتن الگوی عملی در فرایند تعلیم و تربیت، جایگاه اساسی و خاصی دارد. در متون دینی، مفاهیمی مانند اسوه و امام اشاره به این موضوع دارد. البته در معرفی الگوهای غیر معصوم باید توجه داشت که این الگو سازی هرگز نباید به رابطه مرید و مراد منجر شود. زیرا چنین رابطه ای، از طرفی متربی را خلع سلاح می کند و خطاهای معلم را از حیطه نقد و نظر خارج می سازد.

۵- آماده سازی دینی نوآموزان برای رسیدن به حد تکلیف شرعی به دور از هر گونه الزام و توجه به جشن های تکلیف در مدارس و خانواده ها.

۶- درونی کردن ارزش‌های دینی با توجه به تناسب زمان و مکان در تربیت دینی، لزوم توجه به ظرفیت مخاطب به عنوان یک سنت نبوی، تعلیم کرداری مربیان به جای تعلیم گفتاری، کفایت



علمی و هنرمندی مربیان، استفاده از روش عاطفی به جای روش‌های آمرانه، تکیه بر زیبایی‌های دینی و تأکید بر رحمت و عفو و گذشت به جای خشم و خشونت و غصب.

۷- عدم استفاده ابزاری از دین، یعنی در قبال انجام مناسک دینی توسط دانش آموز نباید به او امتیازات ویژه اجتماعی بدheim. به صورتی که هدف اصلی گم یا به حاشیه رانده شود.

۸- معنا گرایی و ایمان درونی جایگزین شکل گرایی و انبساط بیرونی شود.

۹- در تربیت اجتماعی مهارت‌های اساسی زندگی جایگزین اطلاعات و محفوظات ذهنی شود.

۱۰- در نظام برنامه ریزی و تصمیم گیری عقلانیت و مدنیت جایگزین سلیقه‌های فردی و آمرانه شود.

۱۱- در نظام تربیت معلم و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش تجدید نظر کلی شود و به مؤلفه‌های اساسی از قبیل: جذب نیروهای توامند (علمی و اخلاقی) و برخورداری از صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمی، آموزش مداوم معلمان و ... توجه شود.

۱۲- پرهیز از انحصار آموزش دینی و تربیت دینی به معلمان دینی و قرآن و مربیان پرورشی و دخالت کلیه عوامل دست اندرکار تعلیم و تربیت در مقوله تربیت دینی.

۱۳- هماهنگی عوامل اثرگذار در تربیت دینی با آموزش و پرورش (خانواده، رسانه‌ها، نهادهای تربیتی و ...).

نتیجه گیری

چون ایمان خصوصی ترین و درونی ترین کشف انسان است که با نوعی جذبه و شور عاطفی همراه است و در حقیقت، نوعی مواجهه شهودی با حقیقت مطلق یا مطلق حقیقت است که از آن در فرهنگ دینی به خدا تعبیر می‌شود، منشأ تربیت دینی نیز بایستی فرایندی خود انگیخته و فطری باشد و نه دیگر انگیخته و بیرونی، و این چیزی است که صرفاً با آموزش و ارائه اطلاعات



بیرونی حاصل نمی آید و این امور تنها زمینه ساز می باشد. بنابراین تکیه کردن صرف بر آموزش دینی خطأ و آسیب زا است.

توجه به مراحل تربیت دینی شامل: انس دینی، عادت دینی، معرفت دینی، شاکله دینی و خودجوشی دینی در فرایند تربیت دینی از ضرورت ها می باشد. معلمان و مریبان، خانواده، رسانه ها، نهادهای تبلیغی و وسائل ارتباط جمعی به عنوان عوامل تأثیر گذار در تربیت دینی نقش مؤثری در فرایند تربیت دینی دارند.

در جمهوری اسلامی سعی وافری می شود تا با دمیدن روح تعلیمات اسلامی به فضای جامعه افراد جامعه به خصوص قشر نوجوان و جوان به رشد و تکامل معنوی برسد به گونه ای که به عنوان یک شهروند مسلمان در انجام وظایف و مسئولیت های فردی و اجتماعی خود موفق عمل نماید. متولیان امر تربیت دینی بیش از هر چیز منابع محدود کشور را به آموزش و پرورش رسمی اختصاص داده اند و تبعاً به رویکردهای غیر رسمی و تصادفی بهای چندانی نداده اند. با ایجاد معاونت پرورشی در وزارت آموزش و پرورش، افزایش ساعت دورس دینی و قرآن و عربی، اجرای مراسم مذهبی، دسترسی آموزه های مذهبی در کلیه برنامه های درسی و پرورشی مدارس از جمله اقدامات بوده است. اما علی رغم همه این تلاشها، مشاهده وضعیت دینداری جوانان و میزان پایبندی ایشان به دستورات اسلام، نشان می دهد آموزش و پرورش رسمی در تحقق اهداف تربیت دینی چندان موفق نبوده است.

علاوه بر عوامل آسیب زا در تربیت دینی در حال حاضر دو مشکل اساسی نظام تعلیم و تربیت کشور را تهدید می کند. یکی ساختار دستگاه تعلیم و تربیت که توان پاسخ گفتن ندارد (جایگاه معلمان و مریبان، دانش آموز محوری) و دیگری عدم شایستگی عناصری که این دستگاه عظیم به آنها سپرده شده است. راههای بروز رفت از این دو مشکل نیاز به یک عزم ملی و برنامه کلان ملی دارد که در صورت عدم توجه به مشکلات مذکور رسیدن به اهداف برنامه چشم انداز ایران در سال ۱۴۰۰ بسیار مشکل و شاید غیر ممکن خواهد بود.



منابع

- اصلانی، ابراهیم. (۱۳۸۵). مسائل آموزش و پرورش ایران. دانشگاه آزاد اسلامی خوارسگان
- باهنر، ناصر. (۱۳۷۸). مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد. تهران. انتشارات سازمان تبلیغ اسلامی
- باقری، خسرو. (۱۳۷۹). تربیت اسلامی (مجموعه مقالات). تهران. وزارت آموزش و پرورش.
- حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۵۸). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران. انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). ماه مهر پرور. تهران. انتشارات دریا.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۸۴). آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر روشها. تهران. انتشارات انجمن اولیاء و مریبان.
- سعادتمد، زهره. (۱۳۸۰). رهنمودهای تربیتی. اصفهان. انتشارات قاصد سحر.
- سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۸۰). تربیت اسلامی (مجموعه مقالات). تهران. وزارت آموزش و پرورش.
- فتح الهی، علی. (۱۳۸۰). راهبردهای اساسی برای نیل به تربیت دینی در آموزش و پرورش (مجموعه مقالات). تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۲). تربیت تربناک. تهران. انتشارات منادی تربیت.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۰). تربیت اسلامی (مجموعه مقالات). تهران. وزارت آموزش و پرورش.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت به کجا می‌رود. تهران. انتشارات عابد.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران. انتشارات عابد.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). تعلیم و تربیت اسلامی در اسلام. تهران. انتشارات الزهرا.
- همت بناری، علی. (۱۳۸۰). تربیت اسلامی (مجموعه مقالات). تهران. وزارت آموزش و پرورش.

